

ارنست همینگوی :

نامه‌های ارنست همینگوی

مترجم:
احسان لامع

افروز

انتشارات افزون

سرشناسه

عنوان و نام پدیدآور

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

یادداشت

موضوع

شناسه افزوده

رده‌بندی کنگره

رده‌بندی دیویی

شماره کتابشناسی ملی

شاپک:

همینگوی / ارنست . Hemingway, Ernest

نامه‌های ارنست همینگوی / ارنست همینگوی . ترجم احسان لامع.

تهران: نشر افزون ۱۳۹۷

۲۲۷ ص

عنوان اصلی: The letters of Ernest Hemingway, 2011-2015

همینگوی، ارنست، ۱۸۹۹ - ۱۹۶۱ م. -- نامه‌ها، داستان، مرزبانی

لامع، احسان، ۱۳۵۶ - ، مترجم

۱۳۹۷ س ۹ م / ۳۵۴۳ PS

۸۱۳/۵۲

۵۳۹۶۷۹۳

۹۷۸-۶۰۰-۹۵۷۲۹-۸-۴

978-600-95729-8-4

نامه‌های همینگوی

۱. نست همینگوی

ترجمه: احسان لامع

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۸

تعداد صفحات: ۱۰۰

قیمت: ۵۰۰ تومان

صحافی: صافی

چاپخانه: فرشید

لیتوگرافی: باختر



۱۳۹۸

مراکز فروش: خیابان نظری، بین فخر رازی و دانشگاه، کوچه قدیری، پ ۲۳ واحد ۴

نشانی الکترونیکی: Afzounpublishing@gmail.com

اینستاگرام: @Afzounpub

تلفن تماس: ۰۹۳۷۲۷۷۵۸۱۳

مقدمه

نامه‌های ارزنت همینگوی که آخرین کتاب آن در سال ۲۰۱۵ منتشر شده، حاصل سالها تلاش اساتید دانشگاه کمبریج است. این مجموعه نامه‌ها اولین بار است که منتشر می‌گردند و او آنها را از حدود نه سالگی، به خانواده‌ها و دوستانش نوشته است. در واقع تمام ابعاد زندگی وی در این نامه‌ها انعکاس یافته است، می‌توان گفت شخصیت واقعی این نویسنده در پس واژه‌ها بارز است.

به خوبی می‌توانیم بفهمیم این فرد از همان دوران کودکی بسیار پرتلاش و زحمتکش بوده و پیش از آنکه نویسنده باشد، کشاورزی تمام‌عیار بوده است. از کودکی در روستاهای ویران‌شده در زمین‌های کشاورزی کار می‌کرده، به ماهیگیری و مطالعه معادن در همان کودکی علاقه‌ای شدید داشته و عاشق ورزش بوکس بوده است. از نامه‌هایش می‌فهمیم چقدر مهربان بوده و رابطه بسیار خوبی با پدر و مادرش و کل خانواده داشته و شاید به همین خاطر است که اخلاق گرایی در تک‌تک آثارش موج می‌زند.

ارنست همینگوی نگره و تفکر مردم را درباره‌ی دنیای پیرامون تغییر داد. اما همان‌طور که آثارش همچنان سزاوار توجه عالمانه و اقبال جهانی است، تاثیر متقابل نبوغ هنری و زندگی شخصی‌اش کمتر درک شده و نیازمند درک بیشتری است و در این راستا نامه‌های همینگوی که بازتاب ذهنیات و اندیشه‌های کهنه در مورد این نویسنده و تحول هنرنوشتن‌اش شده‌اش به این درک کمک می‌کند. جلد اول نامه‌ها که این مجموع گردآوری شده است، تصویر نامه‌واری از همینگوی تسخیم می‌کند. نامه‌هایی که او از روزهای اول زندگی‌اش در اوک پارک نوشته تا آخرین خستین سال زندگی‌اش در ۱۹۲۲ در پاریس که سرمنشأ نویسنده بزرگ شد. مکاتباتش با خانواده و دوستان از زمان کار با روزنامه کارکنش به بنی استارتا زخمی شدن و گذراندن دوره نقاهتش در ایتالیا در مدت جنگ جهانی اول و بازگشتش به میشیگان و ماهیگیری در جایی که تابستان بای جوانی‌اش در آنجا سپری شده بود، همگی تجربیات وی را بازتاب می‌دهند، صدای تازه‌ای که از این نامه‌ها برمی‌آید صدای نویسنده‌ای جوان است، جوان سخت‌کوش و جاه‌طلبی که هنوز تبدیل به اسطوره پاینده است.

نامه‌هایی که در این جلد آمده‌اند. مرز عاطفی سن همینگوی را می‌سنجند که مستقیم با دنیای به سرعت تغییرابنده راجه می‌شود. گاهی نامه‌ها لاف‌زن و خودخواهانه به نظر می‌آیند که در دوران جوانی غیرعادی نیست، اما اغلب با شوخ طبعی، پرشور و صداقت و جذابیت همراه است.

نامه‌ها گواه دو تاثیرگذاری اساسی روان و هنر همینگوی در روزگار جوانی است، رشد در طبقه‌ی متوسط و تجربه‌ی اواز جنگ جهانی

اول. آن‌هایی که براین باورند که همینگوی از ریشه‌های اوک پارکی خود بیزار بود و با خانواده‌اش مشکل داشت، از خواندن نامه‌هایی که خطاب به خانواده‌اش هستند، حیرت زده خواهند شد. لحن گفتگوها، پیچیدگی، پرمایگی متن نشان می‌دهد که خانواده برای همینگوی مفهوم و اهمیت فراوانی داشت و از رابطه‌اش با آن‌ها در گذر زمان کاسته نشده بود.

تجربه‌ی جنگ و ارتباط آن با نوشته‌هایش سزاوار ارزیابی مجدد نامه‌ی وی در طول جنگ است: نامه‌هایی که به خانواده‌اش نوشته تا به حال منتشر نشده بودند. مجروح شدنش در جنگ جهانی اول که در مقام رانده‌ی بولانس صلیب سرخ آمریکا خدمت می‌کرد. از لحاظ روانی او را نرنشاند. باعث شد که از نظر عاطفی قهرمانی آسیب دیده خلق شود تا زندگی‌اش را در جهانی آشفته با قانون لطف در پناه فشار به سر آورد. با این همه نامه‌های همینگوی برنگاه ریزین وی به جنگ و تمایلش به عاشقانه ساختن کارش در مدت دوره‌ی جنگ تأکید دارد. در مدت سپری کردن دوره‌ی نقاهت در میلان بین ماه‌های جولای تا دسامبر ۱۹۱۸، نامه‌های زیادی به خانواده‌اش نوشت که هیچ‌یک بی‌پاسخ نماندند.

در ۱۴ جولای ۱۹۱۸ تدبرامبارک دوست همینگوی به کلارنس و گریس همینگوی نامه نوشت. جزئیات مجروح شدن، همینگوی را توضیح داد و از شجاعت وی در رفتن به خط مقدم به طور راجعانه و پخش سیگار و شکلات ارتش و همچنین شجاعتش در نجات سرباز ایتالیایی در حالی که پاهایش جراحت شدیدی برداشته بود و از آسمان آتش می‌بارید، سخن گفت. همینگوی در سال ۱۹۲۲ در سمت

خبرنگاری و برای تهیه گزارش به کشورهای آلمان، ایتالیا و روسیه سفر کرده است. او از این شغل خسته شده و در نامه‌ای به تاریخ ۹ مارس ۱۹۲۲ به شروود آندرسن به خستگی اعتراف کرده و گفته به زودی این شغل را کنار خواهد نهاد.

نامه‌های همینگوی حجم بسیار بالایی دارد. سال‌ها برای جمع‌آوری آنها تلاش شده است. فقط خود نامه‌ها هم نیستند. گردآورندگان تفسیر و توضیح مفصلی راجع به رویدادها و مکان‌ها و شخصیت‌های آنان‌های همینگوی نوشته‌اند. به همین خاطر گردآوری این نامه‌ها سال‌های بسیار زمان برده است. اولین مجموعه، کتابی که شامل نامه‌های نوشته شده در سال‌های ۱۹۰۷ تا ۱۹۲۲ است، به کوشش ساندرا اسپانیو، ابرت تراگدون و آلبرت دفازیو گردآوری و در سال ۲۰۱۱ منتشر شد و در چند بعد هم سال‌های بعد منتشر شدند.

جلد اول در کتاب راجع به دوران کودکی و تجربه جنگ جهانی و سفرش به پاریس است. جلد دوم نامه‌های سال‌های ۱۹۲۳ تا ۱۹۲۵ را در برمی‌گیرد و جلد سوم از سال‌های ۱۹۲۶ تا ۱۹۲۹. همچنین تصاویری از کودکی تا سال‌های آخر همراه در این مجموعه‌ها برای اولین بار منتشر شده است. کتاب حاضر مدار را در برمی‌گیرد.

همینگوی اهل شعار نبود. دغدغه داشت دغدغه آزادی و خوب زیستن. هر آنچه نوشته، ابتدا لمس کرده است. اثباتش عیاناً تخیل نبود. وی تجربه شخصی‌اش را در رمان‌هایش نوشته است. «من آزادی و شادی را در زندگی تجربه کرده بود. با طبیعت می‌زیست. در رزق‌کار بود و... اما نظر شخصی من این است که تفکر آزادی و جست‌وجوی شادی حاصل پیامدهای رقت‌بار جنگ است. به نوعی فرافکنی و فراموشی رویدادهای دردناک جنگ بود که تجربه‌اش کرده بود.

همینگوی آرمان‌گرا بود، اما پیگیر آرمان‌های متفاوتی بود. این که شخصیت‌های آثارش در طلب لذت و خوشی بودند، درست نیست. شخصیت‌های آثار مطرحش همگی یا درگیر جنگ هستند یا آرمان خود. این شخصیت‌ها گاه انقلابی هستند، گاه بیزار از جنگ، گاه سرخورده. مثلاً هدف شخصیت داستان «داشتن و نداشتن» با اهداف کاراکترهای «وداع با اسلحه» یا «پیرمرد و دریا» متفاوتند.

خیلی‌ها بر این باورند نثر همینگوی ساده است. شاید این‌طور است، اما در پس این واژه‌های ساده، پیچیدگی‌های زیادی نهفته است. مترجم این نثر دست و پنجه نرم می‌کند و گاه فریب می‌خورد، چون در سبک سادگی و پاکیزگی، ضرباهنگی هست؛ ظرافت خوابیده است. پس کار مترجم راحت نیست. در آثاری که از همینگوی ترجمه شده و حتی ترجمه‌های خود من، فهم و درک مترجم بیشتر دخیل بوده است. مترجم هر چه نهاده، نوشته است.

ترجمه‌ی این اثر کار بسیار آسانی نبود. ساعتها با واژه‌های پراز غلط با شوخی‌ها و اسامی‌های غیرواقعی سرو کله زدم. هر طور دلش خواسته و هر آنچه بر ذهنش رسیده بود، از زبانه کاغذ آمده است. مملو از تلمیح و جملاتی پراز ایرادات دستوری که در ترجمه نمی‌شد بر آن‌ها وفادار بمانم، چون قطعاً نامفهوم درمی‌آمدند. برای فهم این موضوع شروع یکی از نامه‌ها (به امیلی کوترمان ۱۸ مارس ۱۹۱۶) را در اینجا می‌آورم:

On pended gknees I peg your barden vor the ladness of this legger. Bud a gombination of monthly examinachugs and Bad goldt are my eggscuse or to quote the immortal lines the books are ruggig- also my gnose